



جایگاه دروازه های کلان شهرهای ایران در تمدن اسلامی تا قرن هفتم هجری

زهره امیری ، شهربانو دلبری

دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد¹

a46a92@yahoo.com

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد²

Tarikh_2003@yahoo.com

چکیده

قدمت شهرنشینی و شهرسازی در ایران به دوران پیش از ورود اسلام به ایران مربوط می شود. در واقع در دوران اسلامی ویژگی های شهر ایرانی - ساسانی تداوم داشت ولی در کالبد فضایی و ساختمانی شهر در دوران اسلامی تغییراتی صورت گرفت. در دوران اسلامی از مهمترین کالبد ها و ساختمان های شهری می توان به مدارس، مساجد، بازارها و میدان ها اشاره کرد. دروازه نیز یکی از کالبد ها و فضاهای شهری است که در شهر ایران اسلامی دیده می شود و همانند حصار و بارو در روند تداوم و حفظ شهر نقش اساسی داشته است. اگر چه تا کنون در مورد مولفه های کالبدی همچون مسجد، مدرسه، مناره، و هنرهای تزئینی در شهر ایران اسلامی تحقیقات متعددی صورت گرفته است اما به دروازه ها پرداخته نشده است. پژوهش حاضر با روش تاریخی، از نوع توصیفی - تحلیلی و گردآوری کتابخانه ی داده ها به خصوص از دل منابع جغرافیایی و تاریخ های محلی به دنبال ترسیم و بررسی ویژگی های کالبدی و فضایی دروازه و همچنین کارکردها و عملکردهای آن در شهر ایران اسلامی است. نتایج نشان می دهند که دروازه یکی از مهمترین مولفه های کالبدی و فضایی در شهر ایران اسلامی بوده است که با بازار و کاروان سرا رابطه دوسویه داشته است. از مهمترین کارکردهای دروازه می توان به عملکرد امنیتی - دفاعی همراه با حصار و دیوار، عملکرد ارتباطی بویژه از این نظر که دروازه تنها راه رسمی و قانونی ورود و خروج به هر شهری بوده است، عملکرد اجتماعی به خصوص زمانی که بازار و کاروانسرا در امتداد آن قرار داشت، عملکرد اقتصادی - مادی که در این مورد نیز با بازار و کاروانسرا رابطه داشت و همچنین عملکرد راهنمایی و هدایتی گری برای مسافران و کاروانیان اشاره کرد.

واژه های کلیدی: ایران اسلامی، حصار و بارو، دروازه، شهر، رض، کارکرد.



مقدمه

شهر در دوره های مختلف تاریخی کالبد و فضاهای متفاوتی را دارا است. شهرهای دوران ایران - اسلامی نیز ویژگی ها کالبدی و فیزیکی خاص خود را داراست که هر کدام از آنان کارکرد ها و کاربردهای ویژه ای داشتند. از این فضاهای کالبدی می توان به مسجد و بازار و غیره اشاره نمود. مسجد محلی برای تعلیم و برگزاری آداب دینی بود. بازار محل مبادلات اقتصادی و تجاری بود که نیازهای مادی شهروندان را بر طرف می کرد. یکی از فضاهای کالبدی مهم شهرها که با فلسفه برقراری امنیت شهرها ایجاد شده بود، برج ها، باروها و دیوارهای خارجی شهرها بود که به دور شهرها کشیده می شد تا ورود به شهر را به هنگام تهاجمات محدود و سخت کند.

در دل برج و بارو برای تسهیل رفت و آمد به درون و بیرون شهر در هنگام صلح دروازه هایی تعبیه شده بود که دیگر کالبد و فضای فیزیکی شهرها را تشکیل می داد. دروازه ها نیز در فضای کالبدی شهر ایرانی - اسلامی اهمیت زیادی داشت. دروازه ها در هنگام صلح به روی مردم و تجار باز بود و در هنگام تهاجم بسته می شدند و به شدت از آنان محافظت و ورود و خروج ها کنترل می شد. دروازه ها به دو نوع کلی درونی و بیرونی تقسیم می شدند و هر کدام کارکردهایی داشتند. از مهمترین کارکردهای دروازه ها می توان به رابط ارتباطی، کالبد دفاعی - امنیتی، کارکرد اقتصادی و اجتماعی اشاره کرد.

علی رغم مطالعات و پژوهش های متعدد پیرامون ویژگی های کالبدی شهر ایران - اسلامی، تا کنون به موضوع دروازه ها بصورت دقیق پرداخته نشده است. پژوهش حاضر با به کار بردن روش توصیفی - تحلیلی، به دنبال بررسی ویژگی های کالبدی دروازه در شهرهای ایران دوران اسلامی تا قرن هفتم هجری قمری و به خصوص کاربردهای دروازه ها است.

الف: شهر اسلامی و کالبد دروازه در آن

پس از ظهور اسلام و در قرون نخستین اسلامی بقایای نظام شهری کهندهژی و شارستانی ایران باستان به تدریج از میان رفت و شهر دارای سه بخش، ارگ، شارستان و ربض شد که این شهر جدید متعلق به تمام اقشار و طبقات اجتماعی بود. ارگ همان قلعه نظامی محل سکونت حاکم شهر بود که در دل شارستان قرار داشت و امن ترین نقطه شهر به شمار می آمد. ارگ به عنوان عنصر سیاسی از سایر عناصر شهری (بازار، مسجد) جدا شد و با ایجاد حصار و بارو در اطراف آن به صورت کانون اصلی شهر تجلی حاصل کرد. شارستان (شهرستان) قسمت میانی شهر بود یعنی بین ارگ و ربض قرار داشت. شارستان عناصر فرهنگی - مذهبی، بازار و محلات، اصناف و پیشه وران و اکثر طبقات و قشرهای مختلف مردم را در خود جای می داد. در دوره های بعدی شارستان با داشتن حصار و برج و بارو خود را از بخش ربض (بیرونی) جدا کرد. ربض یا حومه غالباً در بیرون حصار و دروازه های شهر قرار داشت که در حقیقت بخش کشاورزی و محل استقرار طبقات مادون جامعه، مهاجرین و روستائیان بود. بخش بیرونی نسبت به دو قسمت پیشین امنیت کمتری داشت زیرا آن دو بخش در دل ربض قرار داشتند و راه رسیدن به آن ها از ربض می گذشت. هر کدام از این سه بخش دروازه هایی داشتند که کارکردها این دروازه ها با توجه به موقعیت و مکان کارکردهای متفاوتی داشتند. دروازه های ارگ معمولاً به شارستان باز می شد و دروازه های شارستان به ربض و دروازه های ربض خارجی ترین دروازه ها به شمار می آمدند. در شهرهایی که ربض بیرون از حصار و دیوار قرار داشتند دروازه های شارستان خارجی ترین دروازه ها به شمار می آمدند (اروجی و علیپور سیلاب، 1392: 20 - 28، نظریان، 1390: 24).



از جمله شهرهای دارای ارگ، شهرستان و ریض می توان به فرغانه، اوزگند، اسبیجاب، طراز، چاچ، اشروسنه، ترمز، مراغه، اردبیل، سیرجان و اسفیجاب (مقدسی، 1361: 421 و 400 و 398 و 396 و 392 و 239). البته نمی توان عنوان کرد که همه شهرها در قرون نخستین اسلامی تا قرن هفتم هجری اسلامی دارای دروازه بوده اند، بلکه برخی شهرها نیز وجود داشتند که فضا و کالبد معماری معینی به عنوان دروازه یا دروازه ها نداشتند. علت این امر نیز از آنجا ناشی می شد که در واقع این گونه شهرها و دهکده ها اصلاً فاقد بارو و حصار بودند و معبر گذر در این سکونت گاه ها فراخ بوده است. به نظر می رسد چون این شهرها در مناطق دوره افتاده قرار گرفته بودند و همین جدایی از کانون های اصلی جاده ای و شهری تا حدی برای آن ها امنیت به بار آورده بود، ساکنین و حاکمان این شهرها برای داشتن بارو و دروازه احساس نیاز نکرده بودند. گاهی نیز موقعیت جغرافیایی این شهرها که دارای حصار طبیعی مانند کوهستانی بودن و یا در دل دریا و دریاچه ها قرار داشتن ساکنین شهر را از ساختن حصار مصنوعی راحت کرده بوده است. از این گونه شهرها به استناد اصطخری و ابن حوقل می توان به شهرهای خور در خراسان و بامیان اشاره کرد (بزرگمهری و خدادادی، 1392: 104).

تعداد دروازه ها با امنیت هر یک از ساختار سه گانه یعنی ارگ، شارستان و ریض در ارتباط بود و به نوعی کهنه‌تر به عنوان امن ترین منطقه دارای کم ترین دروازه و ریض به عنوان خارجی ترین ناحیه دارای بیشترین دروازه ها بودند (اروجی و علیپور سیلاب، 1392: 37). مثلاً این امر در دروازه های بلخ مشاهده می شود. ریض تعداد دوازده دروازه داشت و شارستان دارای چهار دروازه بود. اشروسنه در شارستان دو دروازه و در ریض چهار دروازه داشت. چاچ (شاش) دو دروازه در ارگ داشت که یکی به شارستان و دیگری به ریض باز می شد. چون ارگ در وسط شارستان نبود و بلکه در پشت آن قرار داشت چنین امکانی برای نوع باز و بسته کردن دروازه های آن وجود داشت. شارستان سه دروازه داشت که همه آن ها به ریض گشوده می شدند. ریض یا حومه که این شهر دو ریض درونی و بیرونی داشت روی هم رفته پانزده دروازه داشت که از آن بین هفت دروازه به ریض بیرونی تعلق داشت که خارجی ترین دروازه های شهر چاچ به شمار می آمدند و برقراری امنیت دروازه های درونی بر عهده آن دروازه ها بود (یعقوبی، 1381: 52؛ مقدسی، 1361: 403 و 399). ارگ ها و قلعه های درون شهر برای ایمنی بیشتر معمولاً دارای یک تا دو دروازه بوده اند. چنان که ارگ شهر سلطانیه در عهد ایلخانی دارای یک دروازه ورودی بود و چاچ در قرن چهارم دو دروازه داشت و شهر ماهان از توابع کرمان در ارگ فقط یک دروازه داشت (سعید نیا، 1381: 33). بر اساس داده های منابع جغرافیایی می توان برخی از شهرها و تعداد دروازه های آنان را در اینجا ذکر کرد. هرات چهار دروازه، اوزگند چهار دروازه، طراز چهار دروازه، چاچ (شاش) در ریض درونی هشت دروازه و ریض بیرونی هفت دروازه، سمرقند چهار دروازه، بخارا هفت دروازه، جرجانیه چهار دروازه، ترمذ سه دروازه، بامیان چهار دروازه، پوشنگ از توابع هرات سه دروازه، جیرفت چهار دروازه، شهر جور از توابع فارس در قرن هفتم با چهار دروازه، همدان در همین قرن چهار دروازه (مقدسی، 1361: 2/ و 18 - 417 و 402 و 392).

به طور کلی دروازه ها دو دسته بودند. دروازه های بیرونی و درونی. دروازه های بیرونی، دروازه هایی بودند که فضاهای درونی شهر را با بیرون مرتبط می ساختند و در لبه خارجی محدوده شهر، یعنی حصار جای داشتند. همه دروازه های بیرونی، همواره در امتداد مسیر جاده و راه های منتهی به شهر قرار داشتند. این دروازه ها به سه دسته دروازه های اصلی، دروازه های فرعی و دروازه های حکومتی تقسیم می شدند که نوع آن ها به گونه ای بیانگر کارکرد آن ها نیز بود. در بیشتر موارد بازار اصلی شهر از ابتدای یکی از دروازه ها شروع می شد و گاهی تا دروازه های دیگر امتداد می یافت (سلطان زاده، 1385: 142). دروازه های درونی، دروازه هایی بودند که در درون



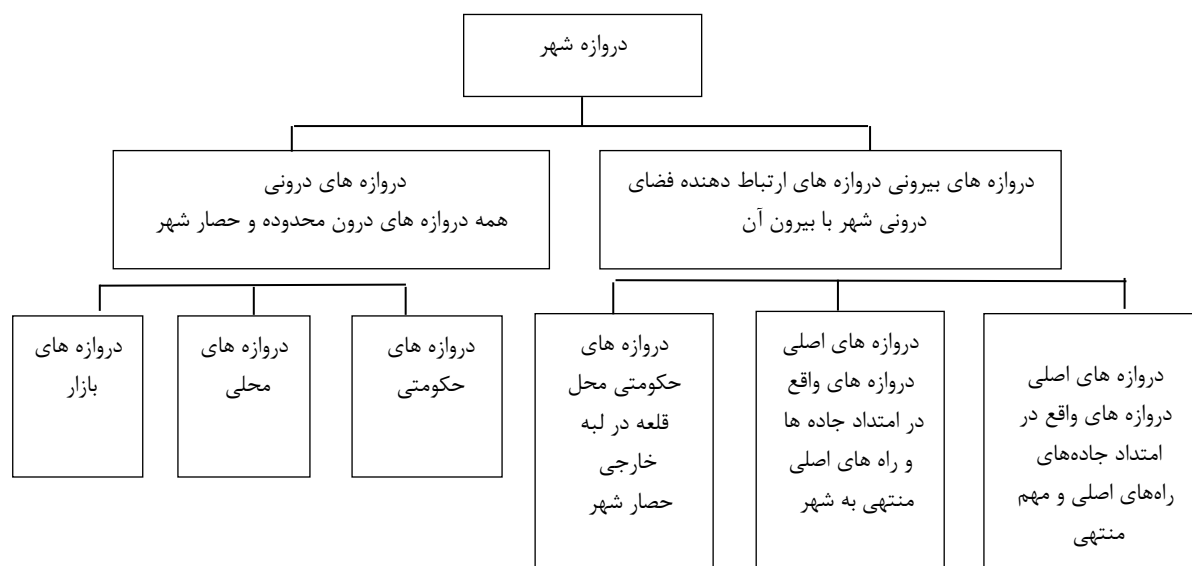
حصار و محدوده شهر قرار داشتند. این دروازه ها معمولاً در امتداد راه های مهم داخل شهر قرار داشتند و کارکرد اصلی آن ها وجه امنیتی و انتظامی بود و از لحاظ اجتماعی معمولاً به غیر از فضای پیرامون دروازه درونی ارگ، فاقد فضایی پرتحرک و پویا بودند (همان، 144). دروازه های درونی به سه گروه تقسیم می شدند: الف- دروازه های حکومتی ب- دروازه های محله ای ج- دروازه های بازار (سلطان زاده، 1385: 151). از نظر کالبدی دروازه های اصلی شهرهای بزرگ و مهم معمولاً با طراحی معمارانه ساخته می شدند. اما دروازه های فرعی و کوچک را غالباً ساده و بدون طراحی از پیش فکر شده و یا کم اهمیت تر از دروازه های اصلی، ساخته می شدند (بحرینی و علی طالب بابلی، 1382: 16).

شهرها با توجه به کارکرد، وسعت جغرافیایی، وسعت و بزرگی بارو و موقعیت خود دروازه های متعددی داشتند. مثلاً شهر زرنج سیستان به گفته یعقوبی (تالیف اثر در 278 هـ. ق) پنج دروازه داشت و اطراف شهر را برای امنیت و دفاع بیشتر خندق کنده بودند. به گفته همین مورخ و جغرافیا نویس مسلمان، بلخ به خاطر وسعت زیاد در بخش بارو ربض، دوازده دروازه داشت. شارستان که به ربض باز می شد دارای چهار دروازه بود. مجموعه دروازه های ربض، شارستان و ارگ بلخ بیشتر از هفده دروازه بوده است (یعقوبی، 1381: 52 و 47). شهر مرو چهار دروازه داشت. ایرانشهر چهار دروازه و شهر دندانقان چون وسعت کمتری داشت فقط یک دروازه اصلی داشت. قاین سه دروازه داشت (مقدسی، 1361: 471 و 469 و 456 - 455). اصفهان در قرن پنجم هشت دروازه داشت (هنرفر، 1386: 50). شیراز در عهد آل بویه نزدیک یک فرسخ بوده است که برای آن هشت دروازه نوشته اند. در دوره اتابکان چون تا حدودی بر وسعت شهر افزوده شده بود تعداد دروازه های آن را نه دروازه ثبت کرده اند (شعله، 1385: 21). باروی شهر تبریز در دوران غازان خان بازسازی شد و به دستور وی پنج دروازه در بارو تعبیه کردند. چون شهر وسیع شده بود در بین پنج دروازه اصلی هشت دروازه کوچک نیز ایجاد کردند تا ورود و خروج آسانتر شود (بلیان اصل و دوستار، 1394: 75). در برخی از مواقع که بر وسعت شهر افزوده می شد حصار و دیوار ربض خراب نمی شد تا شهر گسترش بیابد بلکه در بیرون از ربض داخلی، ربضی بیرونی ایجاد می شد که برای نیز حصار و دروازه هایی ایجاد می کردند. مانند شهر کش که دارای دو ربض درونی و بیرونی بود. ربض درونی چهار دروازه داشت و ربض بیرونی چون هنوز قسمتی از ربض داخلی را پوشش داده بود دارای دو دروازه بود (مقدسی، 1361: 409).

دروازه ها و فضای پیرامون آن ها، از فضای مهم شهری به شمار می آمدند. معماری دروازه ها نمادی از شیوه معماری مرسوم و معمول در شهرها بود. دروازه ها و ورودی ها جایگاه و اعتبار خاصی داشتند. شهرها اغلب با نمای ورودی ها و اعتبار دروازه هایش شناخته می شدند. فضای ورودی شهرها و بناها (خانه، قصر حکومتی، مسجد، حمام و غیره) یک فضای اتصال دهنده و رابط بودند و عملکردهایی همچون تامین ارتباط بین فضاهای درونی و بیرونی (عمومی و خصوصی) و نظارت بر ارتباط (کنترل، تامین امنیت و رعایت سلسله مراتب محرمیت) را بر عهده داشتند. فضاهای ورودی در کنار عملکردهای اصلی، دارای عملکردهای جنبی دیگری نیز بودند نظیر عملکرد اجتماعی که از آن جمله می توان به تماس ها و تبادلات اجتماعی، اقتصادی و فعالیت هایی نظیر استراحت و انتظار، بدرقه و استقبال، برگزاری اعیاد و جشن ها و عزاداری ها مقابل ورودی ها اشاره کرد. علاوه بر این ورودی ها محل نصب و قرار گیری کتیبه ها و وقف نامه ها نیز بودند که بر سر در ورودی نصب می شد. دروازه ها به عنوان یک فضای ورودی (شهری) دارای کارکردها و عملکردهای متنوعی چون نشانه و نماد، کارکرد اقتصادی و کارکرد اجتماعی مانند



گذران اوقات فراغت و مجازات مجرمین، کارکرد ارتباطی، کارکرد دفاعی و امنیتی، امکان برقراری امنیت و نظارت، فضایی برای گذران اوقات فراغت و بدرقه و استقبال بودند. محمدی و ریسمان باف بر این باورند که در دوران حیات کالبدی دروازه ها، دروازه ها عموماً کارکرد دفاعی - اقتصادی داشتند (نقصان محمدی و ریسمان باف، 1394: 45 و 42؛ بحرینی و علی طالب بابلی، 1382: 16 - 14).



نمودار 1- مرتبه بندی دروازه های ورودی شهر (مأخذ: نقصان محمدی و ریسمان باف، 1394: 46)

ب: کارکردها

1 - کارکرد دفاعی - امنیتی

به تحلیل قزوینی ساختن دژ و بارو برای شهرها نخست برای حفظ امنیت در برابر تهاجم دشمنان بود. سپس برای سهولت رفت و آمد مردم به شهر برای آن دروازه هایی قرار دادند. وابسته به رفت و آمد مردم به شهرها تعداد دروازه های هر شهری مشخص می شد. شهری که جمعیت آن زیاد بود و شهر وسعت زیادی داشت دروازه های آن بیشتر بود. شهرهایی که رفت و آمد مردم به آن زیاد بود و از مناطق مختلفی به شهر وارد می شدند معمولاً در چهار جهت و یا سه جهت شهر دروازه هایی ایجاد می شد تا مردم به سهولت از همان مسیری که می آمدند وارد شهر بشوند و برای ورود به شهر مجبور به دور زدن شهر نباشند تا از تنها دروازه شهر وارد شهر شوند (قزوینی، 1373: 40).

دروازه برای شهرهایی معنا داشت که دارای برج و بارو بودند. یعنی دور و اطراف شهر را دیوار کرده بودند و محلی برای ورود و خروج (گذر درونی و بیرونی) به شهر باز گذاشته بودند که بوسیله دربی بسته نگاه داشته می شد. کشیدن حصار و دیوار به دور شهرها نیز برای امنیت شهر در برابر تهاجمات و غارت ها بود. به عبارت دیگر احداث حصار و خندق در پیرامون شهر برای ایجاد محوریت صورت می گرفت تا دسترسی به شهر محدود و منحصر به دروازه بشود و ارتباط بین فضای درونی شهر با خارج آن تحت کنترل و نظارت درآید. از این روی دروازه ها نقش



مهمی در ایجاد امنیت شهر بر عهده داشتند و چون راه ورود و خروج به شهر یا منطقه محصور محسوب می شدند، معمولاً دارای برج و بارویی استوار بودند که بوسیله نیروهای نظامی نگهبانی و حراست می شدند. بنابراین می توان عنوان کرد که نخستین نقش دروازه ها کارکرد دفاعی - امنیتی در حفاظت از شهر و یا دهکده ای بود که دور و اطراف آن را برای مقابله با متهاجمین به آن شهر و یا دهکده حصار (برج و بارو و دیوار) کشیده بودند. به نظر نقصان محمدی و ریسمان باف کارکرد امنیتی - دفاعی مهمترین کارکرد دروازه بوده است (نقصان محمدی و ریسمان باف، 1394: 48)، اما به نظر می رسد اصلی ترین نقش و کارکرد دروازه ها در گذشته، ارتباط فیزیکی بوده است (بحرینی و علی طالب بابل، 1382: 16)، زیرا منظور از ایجاد دروازه ها در دل حصارها و برج و باروها، ایجاد فضایی برای گذر (ورود و خروج) به شهر، دهکده و یا ارگ بوده است. چنانچه اهمیت امنیتی و دفاعی آن مطرح بود اصلاً نیازی نبود فضایی از حصار و بارو را به منظور ایجاد راه ارتباطی (دروازه) باز بگذارند. می توانستند آن فضا را نیز دیوار کنند.

جنگ ها چون به صورت تن به تن و با سلاح های سرد مانند شمشیر، نیزه و تیرو کمان انجام می گرفت و نیروهای نظامی به دو صورت سواره و پیاده نبرد می کردند. در نتیجه بهترین روش برای حفاظت از قلعه و شهرها در برابر حمله بیگانگان ایجاد مانع در راه پیشروی در دسترسی سریع آنان به شهر بود، که هم امکان غافلگیر شدن اهالی یک سکونتگاه از حمله ناگهانی از بین می رفت و هم مدافعان شهر می توانستند در برابر حمله دشمن مبارزه و مقاومت نمایند. به این منظور در پیرامون شهر ها خندق حفر می کردند و حصار می ساختند و در هنگام ناامنی برای کنترل راههای ارتباطی شهر، دروازه ها را می بستند. این دروازه ها برای حفظ امنیت داخلی شهر نیز سودمند بودند، زیرا که از یک سو در هنگام شب و سائز مواقع ضروری آن ها را می بستند و از شهر در برابر هجوم راهزنان محافظت می کردند (سلطان زاده، 1385: 145).

در این مورد می توان به متن البلدان در مورد ساخت روض و دروازه های بخارا اشاره کرد: مردم شهر بخارا از احمد بن خالد که امیر بخارا بود از دست امیر خراسان محمد بن (عبدالله) بن طلحه الطاهر درخواست کردند که شهر ما را روضی می باید تا شب دروازه ها برنندیم و از دزدان و راه زنان در امان باشیم، سپس او فرمود تا روضی بنا کردند بغایت نیکو و استوار، و برجها ساختند و دروازه ها نهادند و این به تاریخ دویست و سی و پنج بود (ابن فقیه، 1363: 171).

ارگ ها و کهندژ هایی هم که بیرون از شهر قرار داشتند دارای دروازه هایی بودند که هم کارکرد امنیتی - دفاعی و هم ارتباطی داشتند. چون این دروازه ها عامل دفاعی مهمی در ساختار شهری محسوب می شدند در تهیه و ساخت آن ها نهایت دقت به کار گرفته می شد تا در برابر ضربات دشمن مقاوم باشند. کالبد معماری این دروازه ها با نوع کارکرد حصار شهر مرتبط بود. در دروازه هایی با این کارکرد تناسبات سنگین و استحکام ساختاری دروازه ها، اهمیتی بیش از زیبایی و تزئینات آن ها داشت. مثلاً دارای برج های دیده بانی مستحکم در یک یا دو سوی ورودی بودند، همچنین برج ها طوری طراحی و ساخته شده بودند که محافظان و نگهبانان بتوانند به سهولت در آن مکان پاسداری بدهند و فضای عملی - حرکتی بهتری در اختیار داشته باشند تا بتوانند به سهولت تیر اندازی کنند. مسالغ به کار رفته در آن ها استواری و دوام زیادی داشتند از این روی در بیشتر موارد رویه درب دروازه ها از آهن ساخته می شد تا در برابر آتش مقاوم باشند. ممکن بود از بین دروازه های متعدد یک شهر چند و یا فقط یک دروازه آهنی باشد. مثلاً از بین چهار دروازه هرات فقط یک دروازه دربی آهنی داشت و سه دروازه دیگر چوبی بودند.



این امر یا به خاطر ناامنی زیاد در سمت آن دروازه بوده است و یا هزینه و امکانات کافی برای ساختن همه دروازه ها از آهن را نداشتند (اروجی و علیپور سیلاب، 1392: 37 و 26؛ حاج یاسینی و ارژمند، 1391: 113؛ بزرگمهری و خدادادی، 1392: 103).

این نوع دروازه ها در واقع دروازه های بیرونی به شمار می آمدند که دقیقاً ارتباط شهر را با بیرون برقرار می ساختند. یعنی در لبه ی خارجی شهر قرار داشتند و در امتداد مسیر راه های منتهی به شهر واقع می شدند. مثلاً باروی شارسرستان سمرقند چهار دروازه داشت که دروازه بیرونی بودند. 1- دروازه چین در شرق سمرقند. 2- دروازه نوبهار در غرب سمرقند. 3- دروازه بخارا در شمال. 4- دروازه کش در جنوب (قرآنی نوشاد، 1390: 72؛ اروجی و علیپور سیلاب، 1392: 36).

نوع دیگر دروازه ها بیرونی بودند که درون حصار شهر قرار داشتند و بیش تر دارای اهمیت امنیتی و انتظامی بودند و فضایی از درون شهر را از فضای دیگر مجزا می ساختند. این نوع دروازه های معمولاً از دروازه های بیرونی کوچکتر بودند (قرآنی نوشاد، 1390: 72). ارگ هایی که در داخل شهر قرار داشتند دروازه هایشان درونی محسوب می شدند البته گاهی نیز یک دروازه به داخل شهر و یک دروازه مستقیماً به بیرون شهر باز می شدند. ارگ یا کهنده بخارا دو دروازه داشت که ریگستان و دروازه جامع نامیده می شدند و هر دو دروازه درونی بودند. ارگ ایرانشهر به گفته مقدسی دو دروازه داشت که یکی به شهرستان و دیگری به رض باز می شد (مقدسی، 1361: 469؛ اروجی و علیپور سیلاب، 1392: 36 و 26). دروازه های شارسرستان و ارگ که دروازه های درونی به شمار می رفتند در معماری ابنیه ایرانی نقش فیلتری را ایفا می نموده و در واقع نظارت به حرکات و آمد و رفت ها برای منظورهای خاص را آسان می ساختند (سعیدنیا، 1381: 34).

در شهرهای اسلامی محله بعنوان یک فضای سکونت یکی از کالدهای مهم آن به شمار می آمد. محله و یا محله ها در یک شهر به سکونت یک گروه خاص که از نظر مذهبی و یا قومی مشترک بودند اختصاص داشت. هر کدام از این محله ها دارای مسجد، مدرسه، نانوايي، مغازه و بازار بودند. برخی از محله ها دروازه هایی داشتند که معمولاً پس از آخرین عبادت در شب بسته و پیش از آغاز نخستین عبادت صبحگاهی باز می شد. مناطق مسکونی در الجزایر و تونس از چنین محله هایی برخوردار بودند. وجود دیوار و دروازه ها در این محله ها توانایی تدافعی - امنیتی محله را در برابر هجوم مخالفان قومی و یا مذهبی بالا می برد و از طرف دیگر به ماموران شهری مانند کلانترها و شرطه ها نیز در خاتمه دادن به نابسامانی ها و آشوب های درون شهری کمک می کرد. مانند شهر تستر یا شوشتر در قرون ششم و هفتم میلادی که قبایل محله های جداگانه خود را داشتند (ابوالفدا، 1349: 361؛ خدایی و تقوایی، 1390: 158). این مرز بندی در شهرهایی چون نیشابور، سیستان، سرخس، هرات و بلخ در قرن چهارم کاملاً مشهود است. یکی از علل این مرز بندی نیز اختلافات مذهبی بوده است (مقدسی، 1361: 93 - 491).

در کارکرد امنیتی دروازه برای افزایش توانایی دفاعی دروازه در برخی مواقع خندق دور بارو و دیوار شهر کنده می شد. در برخی از شهرهای مرزی ماوراءالنهر که از برابر دروازه رود عبور می کرد بر روی رود پلی می بستند و در مواقع تهاجم به دروازه پل را تخریب می کردند مانند شهر طراز و مرغنیان (در ماوراءالنهر) و در برخی مواقع نیز مانند شهر اوزگند اصلاً بر روی رود پل نمی بستند و با قایق رفت و آمد می کردند (همان: 93 - 392). از سوی دیگر به سبب آنکه تنها راه ارتباطی شهر با خارج آن منحصر به دروازه ها بود و آن ها همواره تحت کنترل و نظارت ماموران انتظامی بودند، میزان سرقت در داخل شهر به حداقل ممکن کاهش می یافت زیرا سارقان به راحتی از شهر



خارج شوند و در داخل آن نیز احتمال دستگیری آنان زیاد بود، چون فضای اغلب شهرها محدود و قابل کنترل بود، مگر آنکه امنیت شهر به سبب آشوب های اجتماعی یا ناتوانی حاکم دچار اختلال بود (سلطان زاده، 1385: 145).

2- کارکرد اقتصادی - تجاری

اگر چه نخستین کارکرد دروازه ها، کارکرد امنیتی - دفاعی بوده است، اما داد و ستد داخلی و تجارت خارجی در دوران اسلامی رشد زیادی داشت و همین امر می توانست بر اهمیت کارکرد اقتصادی دروازه ها بیفزاید. به طوری که احمد اشرف می نویسد: مهمترین عاملی که موجب رشد شهرنشینی در بین قرون سوم تا ششم هجری قمری گردید، گسترش سریع بازارهای داخلی و داد و ستد خارجی بود. به استناد وی در قرن چهارم بزرگترین شهرهای ایران، که صدها هزار جمعیت داشتند، در مسیر راه های کاروانرو و طرق بازرگانی بحری قرار داشتند. نیشابور، ری، اصفهان و شیراز از نظر جمعیت بزرگترین و از نظر اقتصادی بهترین شهرهای ایران بودند. شهرهای مانند هرات، طوس، بلخ، گرگان، همدان و بندر سیراف اگرچه کوچکتر بودند ولی از لحاظ تولیدات صنعتی و بازرگانی اهمیت داشتند (اشرف، 1353: 16).

در کنار مسجد، بازار از عناصر اصلی شکل گیری شهر اسلامی به شمار می رفت. بازارها غالباً به صورت خطی از یک دروازه آغاز می شدند و به میانه ی شهر (شارستان) منتهی می شدند. گاهی نیز از یک دروازه به دروازه دیگر به طول چند کیلومتر امتداد می یافتند. مثلاً وقتی بازار از دروازه شرقی آغاز می شد به دروازه غربی و یا دروازه ای در دو جهت دیگر (شمال و جنوب) منتهی می شد. دروازه ای که بازار اصلی شهر از آن شروع می شد و یا به آن منتهی می شد کارکرد اقتصادی - تجاری پررنگتری می یافت. به خصوص زمانی که شهر مورد نظر اقتصاد صادراتی و وارداتی یعنی داد و ستد خارجی داشت نقش اقتصادی این دروازه ها بیشتر از قبل می شد. بازار هر چه از مرکز شهر که محل اسکان طبقات برتر سیاسی، مذهبی، اقتصادی و مرفه اجتماعی بود به سمت بارو و دروازه ها نزدیکتر می شد به کسبه و اصنافی تعلق داشت که نیاز طبقات پایین تر اجتماعی و روستائیان را رفع می کرد. ترتیب بازار بدین صورت بود؛ نخستین بازار در کنار مسجد جامع بازار فروشندگان اشیاء مذهبی بود و شمع فروشان و عطاران و مهر و تسبیح فروشان و مانند ایشان در این بازار بود و در کنار بازار کتابفروشان و بازار صحافان و سپس چرم سازان قرار داشت. پس از بازار پارچه فروشان قرار داشت که به بازار قیصریه مشهور بود. در حاشیه بازارها، کاروانسراها و پالان دوزان جای داشت که نزدیک دروازه شهر بود. در خارج از دروازه، بازارهای مردم روستایی و فروشندگان دوره گرد و پیله وران و سبد فروشان و مانند آن قرار داشت. حومه شهر جایگاه صنایع و یا فعالیت هایی بود که هم به زمین بزرگ نیاز داشتند و هم از نظر آلوده نکردن محیط جای آن ها در بیرون شهر بود مانند دباغ خانه ها، رنگرزان ها، سفال سازی، و رویگرخانه و سلاخ خانه (نظریان، 1390: 26؛ اشرف، 1353: 19). یک بازار هفتگی نیز در خارج از دروازه اصلی برپا می شد (دانشپور و شیرازی، 1394: 22).

برخی مواقع موقعیت های جغرافیایی شهرهایی وجود داشتند که همه دروازه های آن شهر دارای بازار بوده اند. به استناد ابن حوقل هرات قرن چهارم که چهار دروازه داشت، بازار به همه این دروازه ها منتهی می شد. به نظر می رسد اگر بازار از دروازه شرقی شروع می شده است به دروازه غربی منتهی می شده است و بازاری که از دروازه شمالی آغاز می شده است به دروازه جنوبی ختم می شده است. بنابراین بازارها در چهارراهی یکدیگر را قطع کرده و به هم متصل می شده اند. این موضوع نه تنها نشانگر کارکرد اقتصادی بالای دروازه های هرات است بلکه نشان می دهد این شهر در این قرن بازار داخلی و خارجی فعالی داشته و از نظر اقتصادی به شکوفایی رسیده بود (بزرگمهری و خدادادی، 1392: 138). در خود بازار اصلی که هر صنعت و حرفه آن برایش فضا و مکانی دائمی و



معین تعریف شده بود، این فضاها بوسیله دروازه هایی کوچک از یکدیگر جدا شده بودند. بیشتر این فضاها برای نشان دادن جدایی بین این حرفه با آن حرفه دارای درب بوده اند. مثلاً به استناد اصطخری بازار اصلی بلخ ده دروازه داشته است (همان: 139). در شهرهای کوچک ایرانی - اسلامی که مسجد جامع و بازار کوچکی در کنار ارگ یا کهنه‌ژ وجود داشتند غالباً بازارها به خاطر گنجایش حومه در حومه تشکیل می شدند و همین امر در گسترش کارکرد اقتصادی و ارتباطی - اجتماعی دروازه های اینگونه شهرها نقش بسزایی داشت. مانند شهرهای ماوراءالنهر که مقدسی از آنان یاد می کند (مقدسی، 1361: 402 و 399 - 396).

بازار و کاروان سرا دو عامل مهمی بودند که هر دروازه ای دارای این دو ساختمان شهری بود، کارکرد اقتصادی آن پرنرنگتر می شد. داد و ستد که موجب تجمع و رفت و آمد تجار، کسبه، خریداران در بازار و کاروانسرا می شد بالطبع کارکرد ارتباطی را نیز برای آن دروازه در پی داشت. البته یک علت ساخته شدن کاروانسرا در نزدیکی دروازه های اصلی شهرهای مهم به وجود خود دروازه مربوط می شد. توضیح اینکه ورود به شهر نیاز به بازرسی داشت و اکثر مواقع از ورود و خروج کالا عوض گرفته می شد. در برخی موارد بازرگانان و کالاهای تجاری آنان زمان زیادی در پشت دروازه شهر به انتظار می نشستند. به همین منظور تاسیساتی از قبیل کاروانسرا، رباط و نظایر آن در نزدیکی دروازه ها ایجاد می شد (بحرینی و علی طالب بابلی، 1382: 16).

کاروانسراها را از نظر عملکرد و نحوه استفاده می توان به سه دسته تقسیم کرد: کاروانسراهای مابین شهرها، کاروانسراهای بیرون از حصار شهرها و سومی کاروانسراهای شهری (ضرابی و علی نژاد طیبی، 1389: 26). همانند کاروانسراها، گاهی اوقات نیز اهمیت بیرونی دروازه مانند قرار گرفتن آن در مسیر شهرهای اقتصادی - تجاری و یا قرار گرفتن آن در مسیر مزارع، زمین های کشاورزی و باغ ها در شکل دهی بازار نقش مهمی ایفا می کرد. یعنی موقعیت دروازه باعث می شد تا در امتداد آن دروازه به سمت درونی شهر بازاری تشکیل شود. مانند شهر پشتقروش که محصول اصلی آن انگور بوده است و راه اصلی باغ های انگور این شهر از دروازه جیق بوده است. به گفته مقدسی در روز ده هزار بار از این دروازه محموله های انگور وارد شهر و بازار نزدیک دروازه می شد (پیرنیا، 1372: 23 - 122). از جمله چنین شهرهایی می توان به اسبیجاب اشاره کرد که براساس داده های مقدسی بر در مسجد جامع آن چهار رباط به نام های نخشیان، بخارائیان، سمرقندیان و قراتکین وجود داشته است. نام رباط ها نشان می دهد که اهالی و تجار نخشب، بخارا و سمرقند با این شهر ارتباط زیادی داشته اند (مقدسی، 1361: 94 - 393).

اگر چه یورش مغول در قرن هفتم با از بین بردن جمعیت، نابودی کشاورزی و تحمیل مالیات های سنگین مسیر رشد شهرنشینی را قطع کرد و حتی موجب ضربه به آن شد اما بعد از تشکیل حکومت ایلخانان و بعد از دوران حکومت ارغون و به خصوص در عصر غازان خان شهرنشینی دوباره در مسیر رونق پیشین قرار گرفت (اشرف، 1353: 16-17). اهمیت تجارت و بازرگانی در دولت ایلخانی سبب توجه بیشتر به دروازه ها، جهت قرار گیری و حتی افزایش تعداد آن ها در شهرها شد. به طوری که تعداد دروازه ها در شهرهای ایلخانی حداقل چهار دروازه بوده است. مثلاً مجموعه ربع رشیدی چهار دروازه به نام های دروازه مغان، دروازه تبریز، دروازه عراق و دروازه مغان داشته است. دروازه های دوران ایلخانی نه صرفاً در جهات اصلی بلکه به سمت شهرهای مهم پیرامون و در راستای شکل گیری بازارهایی خطی بوده است. همانگونه که در بالا نام دروازه های مجموعه رشیدی آمده است مشخص می شود نام دروازه از نام شهری که دروازه به سمت آن شهر بوده است گرفته شده است. در شهرهای شطرنجی، دروازه ها دو به دو - معمولاً به شکل عمود بر هم - به یکدیگر متصل، و به سبب به وجود آمدن بافتی منظم و محورهای قوی



سازمان دهند در شهر می شدند. در مجموعه شهری ربع رشیدی رعایت شده است به طوری که شاهد دو محور اصلی؛ امتداد محور دروازه های روم، عراق و محور دروازه های تبریز، مغان هستیم. این محورها معیار قرار گیری سایر فضاهای شهری در اطراف خود هستند و بازار نیز در امتداد یکی از این محورها، کل شهر را از دروازه ای تا دروازه دیگر می پیماید. مثلاً بازار شهرستان مجموعه ربع رشیدی بین دروازه عراق و دروازه تبریز امتداد داشته است و مهمترین عناصر اقتصادی و اجتماعی شهر یعنی مغازه و کارگاه های بازار، کاروانسراها، مطبخ آن در امتداد این محور (دو دروازه) فعال شهر استقرار یافته بودند (نقره کار و دیگران، 1391: 52).

در کالبد معماری شهری، شهر ایرانی - اسلامی کاروانسراها یک نوع ساختمان منفرد بود که در خارج از شهر در امتداد جاده های تجارتي و یا نزدیک دروازه شهر ساخته می شدند. ساخته شدن کاروانسراها در نزدیکی دروازه ها، کارکرد اقتصادی آن ها را افزایش می داد (ویلبر، 1365: 42). علاوه بر کنترل رفت و آمد مردم، دروازه ها وصول عوارض و مالیات را نیز تا حدی سهولت می بخشیدند.

3. کارکرد ارتباطی - اجتماعی

دروازه ها بعنوان ورودی و خروجی شهرها وسیله ارتباط شهر با جاده هایی بودند که شهر از طریق آن جاده ها به شهر و روستاهای دیگر ارتباط برقرار می کرد. دروازه ها که معمولاً در سمت جاده های اصلی ساخته می شدند شهری را به شهر دیگر متصل می کردند و با جاده های فرعی که از جاده اصلی منشعب می شدند شهر را به روستاها و دهکده ها متصل می کردند. هر چه شهر بزرگتر و مهمتر بود معمولاً دروازه های بیشتری داشت. که از بین این دروازه های متعدد برخی دروازه ها کارکرد ارتباطی بیشتری داشتند. چون در مسیری از جاده اصلی قرار داشتند که آن جاده به مناطق جغرافیایی و شهری و اقتصادی مهمتری وصل می شدند. مثلاً دروازه ای از شهرهای ماوراءالنهر که جاده اصلی آن دروازه به جاده ابریشم منتهی می شد و تاجران و رهگذران از آن جاده وارد شهر می شدند، کارکرد ارتباطی آن دروازه نسبت به دروازه و دروازه هایی که به سمت جاده ها و مناطق جغرافیایی کم اهمیت تری باز می شدند، به مراتب بیشتر بود. گاهی نیز دروازه ها به مناطق دولتی مانند ارگ سلطنتی باز می شدند. یعنی راه ورود و خروج به ارگ سلطنتی و شهر فقط همین دروازه بود و اختصاص به دولتمردان و افراد خاصی داشت و مردم عادی و کاروان های تجاری از این دروازه رفت و آمد نمی کردند. احداث حصار و خندق در پیرامون شهر ها برای محصور کردن شهر صورت می گرفت تا راه های ورود و دسترسی به شهر محدود و منحصر به دروازه ها باشد و ارتباط بین فضاهای درونی شهر با خارج آن تحت کنترل و نظارت درآیند. بنابراین وجه ارتباطی دروازه ها مهمترین نقش و کارکرد آن ها به شمار می آمد. البته برای سهولت ارتباط به شهر در مواقع عادی، دروازه ها را در امتداد راه ها و جاده های مهم ارتباطی و متصل به حصار شهر می ساختند (سلطان زاده، 1385: 145).

شکل گیری مساجد در نزدیک دروازه ها نیز در کارکرد اجتماعی دروازه ها نقش داشتند. در شهرهای اسلامی غالباً مسجد جامع در بخش شهرستان و در مرکز اصلی آن ساخته می شد اما در برخی از شهرها جامع در کنار دروازه ها بیرونی (دروازه های روض) ایجاد می شد. این امر موجب افزایش کارکرد اجتماعی - ارتباطی دروازه ها می شد مانند شهرهای کوه بیان از توابع کرمان و شهر مرو (مقدسی، 1361: 683 و 610 و 454).

رفت و آمد کاروان های بازرگانی و مسافران در پیرامون دروازه اصلی شهر، یک فضای اجتماعی پر تحرک پدید می آورد که موجب تشکیل بازار، کاروانسرا، میدان و برخی از فضاهای مهم شهری در پیرامون آن ها می شد. بعضی



از فعالیت های بازرگانی، تولیدی، اجتماعی و تفریحی در آن فضاها جریان می یافت (نقصان محمدی و ریسمان باف، 1394: 48). ایجاد حومه های خوابگاهی در پس دیوارهای شهر توسط کاروانیان عاملی اساسی در گسترش روابط اجتماعی در نزدیکی دروازه ها بود زیرا با ایجاد این حومه ها بلافاصله بازاری موقت اما وسیع شکل می گرفت که ارتباطات اجتماعی را در پیرامون آن دروازه افزایش می داد (میرمحمدی، 1375: 186).

جدول 1- ویژگی های ادراکی و عملکردی (ماخذ: نقصان محمدی و ریسمان باف، 1394: 46)

ویژگی های ادراکی	ویژگی های عملکردی
1- دعوت کردن (به دلیل عملکرد اجتماعی و پویایی فضای باز مقابل دروازه شهر)	1- برقراری ارتباط بین دو فضا
2- هویت بخشیدن (اهمیت دادن به دروازه و تزیین های آن و شاخص نمودن دروازه)	2- تامین امنیت و نظارت بر ارتباط
3- ایجاد حس ورود (عبور از دروازه به عنوان مرز جداکننده دو فضا)	3- هدایت (قرارگیری دروازه اصلی در مسیری که مستقیماً به مرکز شهر و بازار ارتباط داشت)
4- آماده ساختن برای درک فضای جدید (فضای باز مقابل دروازه با عملکرد اجتماعی)	4- معرفی شهر
5- برقراری ارتباط ادراکی و بصری بین دو فضا (وجود دروازه و فعالیتی که در فضای مجاور آن جریان داشت)	5- حضور فضای ورودی در فعالیت های روزمره شهر (فضای باز مقابل دروازه ورودی با عملکرد اجتماعی و اقتصادی)

نتیجه گیری

پس از ظهور اسلام و در قرون نخستین اسلامی بقایای نظام شهری کهندژی و شارستانی ایران باستان به تدریج از میان رفت و شهر دارای سه بخش، ارگ، شارستان و ربض شد که این شهر جدید متعلق به تمام اقشار و طبقات اجتماعی بود. هر کدام از این سه بخش دروازه هایی داشتند که کارکردها این دروازه ها با توجه به موقعیت و مکان کارکردهای متفاوتی داشتند. دروازه های ارگ معمولاً به شارستان باز می شد و دروازه های شارستان به ربض و دروازه های ربض خارجی ترین دروازه ها به شمار می آمدند. تعداد دروازه ها با امنیت هر یک از ساختار سه گانه یعنی ارگ، شارستان و ربض در ارتباط بود و به نوعی کهندژ به عنوان امن ترین منطقه دارای کم ترین دروازه و ربض به عنوان خارجی ترین ناحیه دارای بیشترین دروازه ها بودند. به طور کلی دروازه ها دو دسته بودند. دروازه های بیرونی و درونی. دروازه های بیرونی، دروازه هایی بودند که فضاهای درونی شهر را با بیرون مرتبط می ساختند و در لبه خارجی محدوده شهر، یعنی حصار جای داشتند. همه دروازه های بیرونی، همواره در امتداد مسیر جاده و راه های منتهی به شهر قرار داشتند. این دروازه ها به سه دسته دروازه های اصلی، دروازه های فرعی و دروازه های حکومتی تقسیم می شدند که نوع آن ها به گونه ای بیانگر کارکرد آن ها نیز بود. در بیشتر موارد بازار اصلی شهر از ابتدای یکی از دروازه ها شروع می شد و گاهی تا دروازه های دیگر امتداد می یافت. دروازه های درونی، دروازه هایی بودند که در درون حصار و محدوده شهر قرار داشتند. این دروازه ها معمولاً در امتداد راه های مهم داخل شهر قرار داشتند و کارکرد اصلی آن ها وجه امنیتی و انتظامی بود و از لحاظ اجتماعی معمولاً به غیر از فضای پیرامون دروازه درونی ارگ، فاقد فضایی پرتحرک و پویا بودند.



احداث حصار و خندق در پیرامون شهر برای ایجاد محوریت صورت می گرفت تا دسترسی به شهر محدود و منحصر به دروازه بشود و ارتباط بین فضای درونی شهر با خارج آن تحت کنترل و نظارت درآید. از این روی دروازه‌ها نقش مهمی در ایجاد امنیت شهر بر عهده داشتند و چون راه ورود و خروج به شهر یا منطقه محصور محسوب می شدند، معمولاً دارای برج و بارویی استوار بودند که بوسیله نیروهای نظامی نگهبانی و حراست می شدند. بنابراین می توان عنوان کرد که نخستین نقش دروازه‌ها کارکرد دفاعی- امنیتی در حفاظت از شهر و یا دهکده ای بود که دور و اطراف آن را برای مقابله با متهاجمین به آن شهر و یا دهکده حصار (برج و بارو و دیوار) کشیده بودند. ارگ ها و کهنه‌هایی هم که بیرون از شهر قرار داشتند دارای دروازه هایی بودند که هم کارکرد امنیتی - دفاعی و هم ارتباطی داشتند. چون این دروازه‌ها عامل دفاعی مهمی در ساختار شهری محسوب می شدند در تهیه و ساخت آن‌ها نهایت دقت به کار گرفته می شد تا در برابر ضربات دشمن مقاوم باشند. کالبد معماری این دروازه ها با نوع کارکرد حصار شهر مرتبط بود. در دروازه‌هایی با این کارکرد تناسبات سنگین و استحکام ساختاری دروازه‌ها، اهمیتی بیش از زیبایی و تزئینات آن‌ها داشت. مثلاً دارای برج های دیده بانی مستحکم در یک یا دو سوی ورودی بودند، همچنین برج ها طوری طراحی و ساخته شده بودند که محافظان و نگهبانان بتوانند به سهولت در آن مکان پاسداری بدهند و فضای عملی - حرکتی بهتری در اختیار داشته باشند تا بتوانند به سهولت تیر اندازی کنند. مصالح به کار رفته در آن‌ها استواری و دوام زیادی داشتند از این روی در بیشتر موارد رویه درب دروازه ها از آهن ساخته می شد. بازار و کاروان سرا دو عامل مهمی بودند که هر دروازه ای دارای این دو ساختمان شهری بود، کارکرد اقتصادی آن پررنگتر می شد. داد و ستد که موجب تجمع و رفت و آمد تجار، کسبه، فروشندگان و خریداران در بازار و کاروانسرا می شد بالطبع کارکرد ارتباطی را نیز برای آن دروازه در پی داشت. البته یک علت ساخته شدن کاروانسرا در نزدیک دروازه های اصلی شهرهای مهم به وجود خود دروازه مربوط می شد. توضیح اینکه ورود به شهر نیاز به بازرسی داشت و اکثر مواقع از ورود و خروج کالا عوض گرفته می شد. در برخی موارد بازرگانان و کالاهای تجاری آنان زمان زیادی در پشت دروازه شهر به انتظار می نشستند. به همین منظور تاسیساتی از قبیل کاروانسرا، رباط و نظایر آن در نزدیکی دروازه ها ایجاد می شد. دروازه ها بعنوان ورودی و خروجی شهرها وسیله ارتباط شهر با جاده‌هایی بودند که شهر از طریق آن جاده ها به شهر و روستاهای دیگر ارتباط برقرار می کرد. دروازه ها که معمولاً در سمت جاده های اصلی ساخته می شدند شهری را به شهر دیگر متصل می کردند و با جاده های فرعی که از جاده اصلی منشعب می شدند شهر را به روستاها و دهکده‌ها متصل می کردند. هر چه شهر بزرگتر و مهمتر بود معمولاً دروازه‌های بیشتری داشت. که از بین این دروازه‌های متعدد برخی دروازه‌ها کارکرد ارتباطی بیشتری داشتند.



مراجع

- [1] ابن فقیه، (1363). *البلدان*. ترجمه محمد رضا حکیمی، تصحیح و تحشیه مدرس رضوی. تهران: بی نا.
- [2] ابوالفدا (1349). *تقویم البلدان*. ترجمه عبدالمحمد آیتی. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- [3] اروچی، فاطمه؛ علیپور سیلاب، جواد (1392). *((ساخت دفاع شهری ماوراءالنهر در قرون نخستین اسلامی))*. پژوهش نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی. شماره 2. پاییز و زمستان 1392. سال 2. صص 43 – 19.
- [4] اشرف، احمد (1353). *((ویژگی های تاریخی شهر نشینی در ایران دوره اسلامی))*. فصلنامه مطالعات جامعه شناختی. شماره 4. تابستان 1353. صص 49 – 7.
- [5] پیرنیا، محمد کریم (1372). *آشنایی با معماری اسلامی ایران (ساختمان های درون شهری و برون شهری)*. چ 2. تهران: دانشگاه علم و صنعت.
- [6] بحرینی، حسین؛ علی طالب بابلی، ناهید (1382). *((تدوین اصول و ضوابط طراحی محیطی ورودی شهر))*. ویژه نامه طراحی محیط. شماره 30. بهار 1382. صص 36 – 13.
- [7] بزرگمهری، زهره؛ خدادادی، آناهیتا (1392). *سیر تحول معماری ایران از آغاز دوران اسلامی تا پیش از حمله مغول*. تهران: سروش دانش.
- [8] بلیلان اصل، لیدا؛ دوستار، فهیمه (1394). *((بررسی تاثیر مزارات در توسعه ی ساختار شهری شهر تبریز از دوره ی ایلخانی تا صفوی))*. فصلنامه پژوهش های معماری اسلامی. شماره 8. پائیز 1394. صص 90 – 65.
- [9] حاج یاسینی، هاله؛ ارژمند، محمود (1391). *((دروازه های تهران در حصار تهماسبی))*. فصلنامه نامه معماری و شهرسازی. شماره 9. پاییز و زمستان 1391. صص 129 – 105.
- [10] خدایی، زهرا؛ تقوایی، علی اکبر (1390). *((شخصیت شناسی شهر اسلامی، با تاکید بر ابعاد کالبدی شهر اسلامی))*. فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی. شماره 5. پاییز 1390. صص 113 – 103.
- [11] دانشپور، عبدالهادی؛ شیری، الهام (1394). *((عناصر کالبدی - کارکردی شکل دهنده به هویت بافت های تاریخی شهر ایرانی اسلامی))*. فصلنامه نقش جهان. شماره 5 – 1. بهار 1394. صص 25 – 17.
- [12] سعید نیا، احمد (1381). *((بازآفرینی شهرستان رشیدی))*. معماری و شهرسازی. شماره 11. تابستان 1381. صص 40 – 29.
- [13] سلطان زاده، حسین (1385). *فضاهای شهری در بافت تاریخی ایران*. تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی.
- [14] شعله، مهسا (1385). *((دروازه های قدیم در خاطره جمعی شهر معاصر ریشه یابی رشته های خاطره ای))*. نشریه هنرهای زیبا. شماره 27. پاییز 1385. صص 26 – 17.
- [15] ضرابی، اصغر؛ علی نژاد طیبی، کاووس (1389). *((تحلیلی بر عناصر کاربری های شهری در شهرهای اسلامی))*. فصلنامه کتاب ماه هنر. شماره 143. مرداد 1389. صص 27 – 16.
- [16] قرآنی نوشاد، محمود (1390). *((برگ هایی از تاریخ))*. مجله کتاب ماه تاریخ و جغرافیا. شماره 163. آذر 1390. صص 75 – 71.
- [17] قزوینی، ذکریا بن محمد (1373). *آثارالبلاد و اخبارالعباد*. ترجمه میرزا جهانگیر قاجار. تهران: امیرکبیر.



- [18] مقدسی، محمد بن احمد (1361). *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*. ترجمه علی نقی منزوی. ج 2. تهران: شرکت مولفان و مترجمان.
- [19] میرمحمدی، حمیدرضا (1375). *((سیما و بافت شهرهای اسلامی))*. مشکوه. شماره 53. زمستان 1375، صص 178 – 189.
- [20] نقصان محمدی، محمد رضا؛ ریسمان باف، پریسا (1394). *((سیاست های طراحی ورودی شهر ایرانی متاثر از ورودی مسکن قدیم))*. فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی. شماره 19. بهار 1394، صص 41 – 54.
- [21] نقره کار، عبدالحمید و دیگران (1391). *((سازمان فضایی شهرهای ابواب البر دوره ایلخانی))*. فصلنامه معماری ایرانی. شماره 2. پاییز و زمستان 1391، صص 47 – 63.
- [22] نظریان، اصغر. (1390). *جغرافیای شهری ایران*. ج 11. تهران: دانشگاه پیام نور.
- [23] هنرفر، اصفهان (1383). *اصفهان*. ج 4. تهران: علمی و فرهنگی.
- [24] ویلبر، دونالد. ن (1365). *معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان*. ترجمه عبدالله فریار. ج 2. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- [25] یعقوبی، احمد بن واضح (1381). *البلدان*. ترجمه محمد ابراهیم آیتی. ج 4. تهران: علمی و فرهنگی.